

عنوان مقاله:

حق بر آموزش کودکان، ملازم سیاست جنایی آموزشی و تربیتی

محل انتشار:

نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

مختار بیداروند - دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

محمد حسین قویدل - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مربی پایه سه، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور واحد مراغه

خلاصه مقاله:

آموزش، کانون توسعه انسانی است و ابزاری اساسی برای تحقق اهداف توسعه پایدار بشمار میرود. توسعه و شکوفائی اقتصادی جوامع، به توانائی کشورها در آموزش همه اعضای جامعه بستگی دارد. آموزش، فرهنگها را غنی میسازد، درک متقابل را فراهم می کند و منجر به شکلگیری جوامع صلح طلب میشود. همچنین از این راه یک استراتژی برای پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی جامعه اتخاذ نمود. تمام انسان ها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکار ناپذیر رشد و ترقی جامعه ی انسانی تلقی می شود. کودکان و نوجوانان سرمایه های معنوی جامعه می باشند و سلامت روح و جسم آن ها تضمین کننده ی سلامت جامعه در آینده است. بنابراین مسائل مربوط به کودکان از جمله مسائلی است که باید به آن ها توجه ویژه ای مبذول داشت. فلذا بررسی ریشه ای مسائل تربیتی اطفال، برای رسیدن به یک جامعه ی ایده آل شرطی ضروری است این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای، به بررسی مبانی حق بر آموزش اطفال پرداخته و ویژگی های این مهم را بیان کرده است. نتیجه های حاصل از این تحقیق، اثبات رابطه مستقیم نابهنجاری حاصل از عدم تربیت کودکان با ایجاد اختلال در رویکرد خانواده و محیط اجتماع و دوستان و گروه همسالان است

کلمات کلیدی:

تربیت و آموزش، کودکان، حق، هنجار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1019104>

